



مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

## شهر یادگیرنده

دانش شهر شماره ۴۴۱

شهریور ۱۳۹۶

---

معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی مدیریت، امور اجتماعی و اقتصادی

مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی امور مناطق

تهیه‌کننده: رضا شفیق‌زاده

ناظر علمی: نادر شیخ‌الاسلامی کندلوسی

ناظرین داخلی: حمید قربانی، مهدی عبدالهی ثابت

داور علمی: موسی پژوهان

---

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، پل رومی، خیابان شهید اکبری، نبش خیابان شهید آقابزرگی، شماره ۳۲، کد پستی ۱۹۶۴۶۳۵۶۱۱

امور مخاطبان: ۳-۲۲۳۹۲۰۸-۱۰۸ داخلی <http://rpc.tehran.ir>

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع می‌باشد.

ضمناً متن (PDF) بر روی سایت فوق قابل دریافت است.



## سخن نخست

فرایند یادگیری، کنش‌های متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی او است. میزان رشد شهروندان، عموماً به میزان یادگیری آن‌ها وابسته است. برنامه‌ریزی و در دستور کار قرار دادن سیاست‌های حمایتی یادگیری، بهترین استراتژی برای تضمین و بهبود توسعه شهری و غلبه بر استثناها و حاشیه‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان می‌باشد.

شهرهای یادگیرنده به‌طور آشکار یادگیری را به‌عنوان روشی برای افزایش انسجام اجتماعی، احیا و توسعه اقتصادی همه بخش‌های اجتماع، مورد استفاده قرار می‌دهند و به‌واسطه منابع مختلف برای یادگیری، توسعه شهری را تقویت می‌کنند. شهر یادگیرنده طرح‌ها و استراتژی‌هایی برای تشویق ارزش‌ها، هنجارها، انسجام اجتماعی و توسعه توانایی‌های انسانی همه شهروندان ایجاد و اجرا می‌کند. شهر یادگیرنده می‌تواند از طریق ترغیب تک‌تک شهروندان برای پذیرفتن شاخص‌های شهری-رفتاری که هم یادگیرنده و هم معلم باشند، راه‌حل‌های محلی برای چالش‌های محلی ارائه دهد. در شهر یادگیرنده متناسب با تفاوت‌های سنی، جنسیتی و محلی می‌توان مفاد مختلف یادگیری را در معرض عموم قرار داد. این نوشتار، گزارش کوچکی از محتوا و راهکارهای شهر یادگیرنده است.

### بابک نگاهداری

رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران



## چکیده

شهر یادگیرنده به خلق ارزش، رشد فردی، انسجام اجتماعی و توسعه توانایی‌های انسانی همه شهروندان از طریق عمومی‌سازی فرایند یادگیری می‌پردازد. یادگیری و فرایند یادگیری یکی از مباحث جدی برای توسعه و تعالی جوامع شهری امروزی است. به‌طور مداوم تنش‌ها و مهارت‌ها تغییر کرده و رشد می‌کنند و این نیازمند انتقال مداوم، با کیفیت و همگانی دانش است. در این مقاله برخی از مهم‌ترین نظریات یادگیری مطرح شده و به‌طور خاص، یادگیری در محیط دانش شهری با عنوان شهر یادگیرنده طرح شده است. در ادامه مدل مفهومی از جمع‌بندی نظریه‌ها ارائه شده است. این مدل مبتنی بر مرور نظریه بوده و بدیهی است برای ارائه طرحی جامع، به بررسی‌های امکان‌سنجی با شرایط روز شهرهای کشور نیاز است.

**کلیدواژه:** شهر یادگیرنده، یادگیری، مدل شهر یادگیرنده، محله یادگیرنده



## فهرست مطالب

۹	مقدمه و طرح مسئله
۹	مبانی نظری
۱۰	تاریخچه شهر یادگیرنده
۱۱	بسترهای فناوری اطلاعات و ارتباطات شهری
۱۱	شناسایی کیفیت شهروندان
۱۲	ساده و روان‌سازی ساختارهای اداری
۱۳	الگوسازی و الگوبرداری در شهر یادگیرنده
۱۴	شهر یادگیرنده و جهانی شدن
۱۴	شهر و نیروی کار یادگیرنده
۱۴	سرعت یادگیری از طریق شبکه‌های مجازی
۱۵	یافته‌ها
۱۷	روش و راهکارها
۱۹	شرح مدل
۲۲	نتیجه‌گیری
۲۴	منابع





## مقدمه و طرح مسئله

شهر یادگیرنده در بردارنده زندگی جمعی و شهروندی، مشارکت فعال، توجه به منافع جمعی، مطرح شدن دانش و یادگیری به عنوان دارایی‌های عمده و شهروندمداری است. در آغاز قرن بیست و یکم و توسعه یادگیری، جهان خود را در میان تغییرات چشمگیری می‌یابد که شهرهای جهان در مرکز توجه این تغییرات برای فرایند یادگیری هستند (شیکشانتر، ۱۹۹۹، ۵۶). یادگیری به معنای انباشتن، اندیشیدن، استفاده از دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های پیچیده است به گونه‌ای که فرد یا گروه بتواند سازگاری فعالی با محیط‌های در حال تغییر خود داشته باشد. یادگیری به تغییر رفتار یا نگرش در فرد و گروه منتج می‌شود. یادگیری اغلب قابل اندازه‌گیری و قابل شرح است (فاریس، ۲۰۰۶، ۷). مفهوم اجتماعات یادگیرنده به نظریات مرتبط با یادگیری و جامعه‌شناسی توجه دارد (کالوینو، ایتالو، ۱۳۹۰، ۴۷). ویگونسکی، یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان رشدشناختی معتقد است: در فرایند یادگیری، کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی او اهمیت به‌سزایی دارد. او بر این باور بود که رشد ذهنی افراد، عموماً به میزان یادگیری مردمی که در دنیای اطراف آن‌ها زندگی می‌کنند، وابسته است و افراد بسیاری اندیشه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های خود را در تعامل و رابطه متقابل با یکدیگر ارتقا می‌دهند (مکوند حسینی، ۱۳۸۹، ۸۷). البته یک پیش‌فرض اساسی در شهر یادگیرنده، بلوغ و مسئولیت‌پذیری شهروندان است. به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و در دستور کار قرار دادن سیاست‌های حمایتی یادگیری، بهترین استراتژی برای تضمین و بهبود توسعه شهری و غلبه بر استثناها و حاشیه‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان باشد (دیسپوا، ۲۰۱۰، ۵۳۵). بنابراین در حوزه شهری تقویت یادگیری یک دغدغه اصلی بوده است؛ به شکلی که با در معرض عموم قرار دادن محتوای یادگیری برای اکثریت شهروندان بتوانیم رفتارها را به سمت قانونمندی بیشتر سوق دهیم.

## مبانی نظری

یک شهر یادگیرنده، طرح‌ها و استراتژی‌هایی برای تشویق خلق ارزش، رشد فردی، انسجام اجتماعی و توسعه توانایی‌های انسانی همه شهروندان ایجاد می‌کند (شیکشانتر، ۱۹۹۹: ۴). شهرهای یادگیرنده به‌طور آشکار یادگیری را به عنوان روشی برای افزایش انسجام اجتماعی، احیا و توسعه اقتصادی شامل همه بخش‌های اجتماع مورد استفاده قرار می‌دهند و به واسطه منابع کنار هم آورده می‌شوند. شهر یادگیرنده می‌تواند از طریق ترغیب تک‌تک شهروندان که هم یادگیرنده و هم معلم باشند و همچنین تشویق شهروندان برای پذیرفتن یادگیری به عنوان بخشی از همه فعالیت‌های اجتماعی، راه‌حل‌های محلی برای چالش‌های محلی ارائه دهد. برای شناخت بهتر شهر یادگیرنده ضروری است پاسخ پرسش‌های اصلی در مورد آن را بدانیم:

۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی شهر یادگیرنده چیست؟

۲- ارتباط این شاخص‌ها در یک مدل مفهومی چگونه است؟

بهبود وضعیت اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی جامعه شهرنشینی، حفظ محیط سبز در شهر، همکاری در حوزه خدمات شهری و گسترش مشارکت آنان در جهت پیش‌برد اهداف شهری، به‌وجود آمدن حس مشارکت فرهنگی

و اجتماعی در بستر جامعه، اعتلای طرح‌های توسعه شهری به روش گروهی، مردمی و مشارکت، تقویت نقش شهرداری در ابعاد آن با شهروندان، استفاده بهینه از منابع موجود، اعتلا و ارتقای هویت مشارکتی در مناطق و محلات و توانمندسازی جامعه برای پذیرفتن مسئولیت، از دیگر کارکردهای شهر یادگیرنده است.

### تاریخچه شهر یادگیرنده

انقلاب صنعتی، به‌عنوان محرکی نیرومند، با ایجاد نهادهای اقتصادی، اداری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ساختار شهرها را دگرگون کرد؛ بلکه تغییرات و تحولات شگرفی را در حیات اجتماعی شهر، به‌وجود آورد. به‌هرحال، شهرهای امروزی، با درهم شکستن بسیاری از سنت‌ها و ارزش‌های گذشته، نه‌تنها، سنگ‌بنای اولیه جامعه، یعنی خانواده را کمرنگ کرده، بلکه به‌رغم تماس‌های فیزیکی نزدیک و صمیمانه میان افراد، روابط اجتماعی آنان را تضعیف نموده است. به قول پارک، پیش‌گام مطالعات مستقل جامعه‌شناسی شهری در آمریکا، شهر محل سکونت انسان‌های منجمدی است که به‌هم نزدیک هستند. اما، رابطه‌ای با یکدیگر ندارند (شکیبا مقدم، ۱۳۸۴: ۲۵۳ تا ۲۵۷).

از سال ۱۹۹۲ گزارش‌های اولیه در مورد شهرهای یادگیرنده مشاهده می‌شود. در آن زمان، مطالب متمرکز درباره یادگیری بدون واسطه افراد از محیط‌های شهری است. بسیاری از آلودگی‌های زیست‌محیطی، ناشی از عدم همکاری و مشارکت مردم و یا عدم آشنایی آن‌ها با فرهنگ زندگی شهری است و تجربه ثابت کرده که آموزش مردم به میزان زیادی می‌تواند بر رفتار آن‌ها در تولید آلودگی‌های زیست‌محیطی و بهداشت عمومی مؤثر باشد. به‌عنوان مثال در مورد تفکیک زباله، به‌دلیل عدم آگاهی مردم و یا به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری در آموزش مردم، روزانه هزاران تن مواد با ارزش و قابل بازیافت به همراه دیگر زباله‌ها نابود می‌شوند و بر آلودگی‌های محیط می‌افزایند. آموزش مردم در تغییر الگوی مصرف آب، تولید فاضلاب، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و... می‌تواند این نتایج منفی را کاهش دهد.

شهر شیکاگو یکی از نمونه‌های قدیمی شهر یادگیرنده است. در این شهر، خلاقیت، مشارکت شهروندان، خط مشی فرهنگی و هر نوع کار آفرینی در بستر یادگیری مستمر شهری قرار دارد (<https://chicagocityoflearning.org>). این شهر برای تبدیل شدن به شهر یادگیرنده، کار خود را با سه پرسش آغاز کرد:

- ۱- برای رسیدن به شهر یادگیرنده چه چیزی مناسب است؟
  - ۲- کدام سازمان‌های مرتبط با سیستم‌های مدیریت اطلاعات و خط‌مشی‌گذار در این راستا مناسب هستند؟
  - ۳- چه تحقیقات محلی برای تشخیص میزان بلوغ و مشارکت شهروندان در محله‌ها لازم است؟
- نمونه جدیدتر شهر یادگیرنده در استرالیا بوده است. در شهر هیوم کشور استرالیا به یادگیری مادام‌العمر از مهدهای کودک، توجه به شبکه دهکده جهانی، تقسیم‌بندی شهروندان به کودکان، دوران بلوغ، میان‌سالان و کهن‌سالان و توزیع راهبردهای یادگیری در بین آن‌ها توجه ویژه شده است. هدف اصلی از توسعه و ایجاد محیط‌های هوشمند برای شهر یادگیرنده این است که شرایطی فراهم گردد تا افراد (با هر میزان سواد و اطلاعات) بتوانند به راحتی از دستاوردهای فناوری اطلاعات استفاده نمایند (صرافی، ۱۳۸۷، ۷۸).

جوسوایسن نیز تصدیق می‌کند که یک شهر یادگیرنده، سازه اجتماعی پیچیده‌ای است که توسعه آن به معنای توانمندسازی یادگیری در تمام سطوح شهر (ساکنان و خانواده‌های آنان، سازمان‌ها و مدیریت شهری از طریق شبکه‌ها) است و یادگیری جمعی افراد و مشارکت آنان در شبکه‌های همکار دارای اهمیت ویژه‌ای است (جوسوایسن، ۲۰۱۰، ۴۹). او چنین توضیح داده که توسعه پایدار شهر در راستای شهر یادگیرنده به معنای این است که هدف راهبردی آن توانمندسازی تمام کنش‌گران زندگی شهری به منظور حل مسائل روزمره حاصل از ترکیب منافع اقتصادی، اجتماعی و محیطی، ایجاد و افزایش فرصت‌های یادگیری مستمر در سطوح فردی و جمعی است. دی‌سیوو و لادیانا نیز این‌گونه تصریح کرده‌اند که شهر یادگیرنده، اجتماعی است که در آن یادگیری گسترده و مادام‌العمر وجود دارد. فعال‌سازی فرایندهای یادگیری مادام‌العمر به‌عنوان راهبردی بنیادین است. ایجاد شرایط موجب بهبود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و همچنین بهبود کیفیت زندگی شهروندان می‌شود (دی‌سیوو و لادیانا، ۲۰۱۰، ۸۴). با مطالعه سیر تاریخی شهر یادگیرنده مشخص می‌شود که عوامل شهر یادگیرنده عبارت‌اند از:

- آموزش نحوه بسیج همه منابع اجتماعی برای یادگیری؛

- شناسایی نیازهای محله‌ها از طریق مشارکت؛

- فراهم کردن این امکان برای شهروندان که هرکجا و هر زمانی یاد بگیرند (در مراکز خرید و...).

در چین نیز، شهرهای یادگیرنده از سال ۲۰۰۰ عمومیت یافتند؛ شانگهای اولین نمونه است و اکنون شهرهای یادگیرنده در چین به ۶۰ شهر رسیده است. برنامه‌های شهر یادگیرنده در چین توسط دولت مرکزی ابلاغ می‌شود (<http://pie.pascalobservatory.org>).

### بسترهای فناوری اطلاعات و ارتباطات شهری

پیش‌نیاز عمده ایجاد و توسعه شهر یادگیرنده، بسترسازی و تقویت فناوری اطلاعات و ارتباطات شهری است. با توجه به در دسترس بودن زیرساخت‌های نه‌چندان پیچیده، ارزان و قابل مدیریت از یک‌سو، و ماهیت نسبتاً ساده انتقال اطلاعات از مراکز آموزش‌های غیر رسمی شهروندی به نقاط توزیع در فضای درون‌شهری از سوی دیگر، یک سامانه مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) کاملاً تحقق‌پذیر بوده و تحلیل‌های مربوط به هزینه و منافع آن بر به کارگیری این سامانه تأکید دارد (ایشیدا، ۲۰۰۰، ۴۵۶). این فضای درون‌شهری وقتی کامل‌تر و اثربخش‌تر می‌شود که با سامانه‌های مدیریت سامانه‌های اطلاعات و آمار (MIS) عمومی سازمان‌ها نیز ارتباط مستمر داشته و توانایی به‌روز رسانی خود را داشته باشد.

### شناسایی کیفیت شهروندان

لازم است در شهر یادگیرنده، دیدگاه مشترک توسط شهروندان در خصوص این‌که شهر کجاست و در آینده به کجا می‌رود، وجود داشته باشد. همچنین شهروندان از توانایی بالقوه و فرصت‌های یادگیری و نگرش‌های مثبت یادگیری در همه سنین آگاهی یابند (شیکشانتر، ۱۹۹۹، ۱۴۵). برای تقویت این دیدگاه مشترک لازم است

ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت شامل تعداد جمعیت در دوره‌های زمانی، ترکیب سنی و جنسی، وضعیت سواد و بهداشت، مهاجرت و خصوصیات خانوار به همراه چشم‌انداز جمعیتی شهر مورد بررسی قرار گیرد (فریر، ۲۰۰۹).

ایجاد یک چارچوب سلسله مراتبی از تحصیل و شایستگی‌های شهروندان، باعث تقویت یادگیری مادام‌العمر می‌شود. بر این اساس می‌توان نیازهای آگاهی‌رسانی هر گروه شهروندان را دسته‌بندی کرد؛ زنان، مردان، کودکان، جوانان، میان‌سالان و کهن‌سالان، نیروی کار فعال و نیروی کار غیرفعال از جمله این دسته‌بندی‌ها در شهرهای یادگیرنده هستند (سندبروک، ۲۰۰۹، ۸۶). به‌عنوان مثال در یکی از شهرهای ایران سفرهای معمول شهری به شرح زیر آمده است؛ می‌توان با یادگیری مناسب شهری از میزان این سفرها کاست و میزان و کیفیت یادگیری را در آن‌ها بالا برد (مرکز مطالعات ترافیک و حمل و نقل دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۹۱):

سفرهای با هدف کار	۴۰/۵٪
خرید کالا	۱۱/۳٪
تحصیلی	۱۷/۵٪
مراجعه به ادارات	۲/۱٪
موارد پزشکی	۳٪
دیدارهای خانوادگی	۱۴/۸٪
تفریح	۲/۹٪
زیارت	۲/۶٪
سایر هدف‌ها	۵/۳٪

### ساده و روان‌سازی ساختارهای اداری

از دهه ۱۹۸۰ یادگیری سازمانی شکل گرفت. می‌توان گفت شهر یادگیرنده، شکلی جامع از سازمان یادگیرنده است. در شهر یادگیرنده باید توجه ویژه به سازمان یادگیرنده داشت. مفهوم سازمان یادگیرنده به‌عنوان آرایش سازمانی در این موارد خلاصه می‌شوند: افراد را با بازخورد مستقیم برای عملکرد آن‌ها آماده می‌کند، بوروکراسی را برای ایجاد ابتکار و خلاقیت کاهش می‌دهد، بر روی توسعه تخصص تمرکز می‌کند، افراد را برای مشارکت در دانش سازمانی-محیط بیرونی آماده می‌کند و اجتماعات باز با حداقل مقاومت ایجاد می‌کند. با مرور این موارد، به نظر می‌رسد شهر یادگیرنده، یک روش بهتر و جدید شهری-سازمانی برای همه مؤسسات شناسایی کرده است (تیر، ۱۹۹۸، ۷۸). ساختارهای ساده شده که به راحتی با دیگر نواحی خدمات عمومی همراه می‌شوند. برای مثال بهداشت، مراقبت اجتماعی، پلیس اجتماعی، رفاه، استخدام، خدمات اطلاعاتی و....

### الگوسازی و الگوبرداری در شهر یادگیرنده

آموزه‌های رفتار شهروندی در افزایش کیفیت زندگی شهری بسیار اثرگذار است؛ این آموزه‌ها به تقویت اخلاق و هم‌بستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی-ملی و جهانی منجر خواهد شد، چنین اشاعه‌ای اولاً از طریق

زیباسازی شهر از جمله طراحی و نصب نشانه‌های شهری در نقاط مختلف محله‌های شهری باعث شکل‌گیری هویت شهری و محلی می‌گردد، ثانیاً در بلندمدت شامل الگوسازی نمادین از شهروندان و سازمان‌های نمونه در یادگیری است.

در واقع نقش طراحی آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی و تدوین استراتژی فرهنگی از طریق نشانه‌های شهری افراد حقیقی و حقوقی سرآمد در قالب شناختی که شهروندان نسبت به فرهنگ شهرنشینی به‌دست می‌آورند، باعث می‌شود هویت‌های شهری متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه شهری شکل گیرد و نهادینه شود. به‌عنوان مثال در شهرهای اسکاندیناوی به‌طور منظم به چرخه یادگیری غیر رسمی توجه می‌شود؛ چنان‌که در شهرهای ژاپنی نیز به عادت یادگرفتن در کلیه نواحی شهری پرداخته شده است که البته ژاپنی‌ها این را الگوبرداری کرده‌اند. در انگلستان توجه ویژه‌ای به همکاری دانشگاه‌ها با شهرداری‌ها در مبحث یادگیری شده است. شصت درصد شهرها دارای بیشترین میزان نمادهای آموزش‌دهنده‌اند که می‌توانند به‌طور بالقوه سؤالات شهروندان را پاسخ دهند.

هویت شهری یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحث نظری در یادگیری شهری است. چگونه می‌توان آن‌را در شهرها و یا در عناصر معماری ایجاد کرد به شکلی که یاد دهنده باشند. این سؤالی اساسی است که بسیاری از محققین به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای آن هستند. در کشور ما - که شاید یکی از غنی‌ترین سرزمین‌ها از نظر بهره‌مندی از میراث و دستاوردهای فرهنگی است و از نمودهای آن شهرسازی و معماری ویژه و شناخته شده آن در سطح جهانی می‌باشد - امروزه هویت شهری، هم‌چون حلقه‌ای گم شده است و شهرها نه بر پایه هویت اصیل خود، بلکه بر پایه تقلیدهای بدون اندیشه از مظاهر غربی و الگوهای مدرن بدون توجه به الگوهای بومی در حال شکل‌گیری و گسترش می‌باشند (فرجامی، ۱۳۸۳، ۸۵).

در این بین شوراهای و محلات توانمند در یادگیری، اهمیت ویژه‌ای دارند؛ به‌ویژه این‌که چگونه منابع یادگیری در همه بخش‌های اجتماع شهری، اقتصادی، آموزشی، عمومی و داوطلبانه بسیج شوند (فاریس، ۲۰۰۶). در واقع مدیران محلی درک کرده‌اند که آینده موفق‌تر وابسته به توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی درون آن است و کلید این توسعه یادگیری است؛ این به معنی القای عادت یادگیری تا جای ممکن به شهروندان و تقویت آن برای ساختن جامعه یادگیرنده است (لانگورت، ۲۰۰۶، ۶۵).

### شهر یادگیرنده و جهانی شدن

امروزه موج جهانی شدن<sup>۱</sup> تمام ساکنین دنیای مدرن را در بر گرفته است. وحشت از ویران شدن ساختارهای اقتصادی نوپا، وحشت از شکستن مرزهای سیاسی و مهم‌تر از همه گم شدن هویت‌های مختلف در میان امواج جهانی شدن، ایجاد شده است. نوع نگرش به محیط شهری نیز در نهایت تحت تأثیر این ساختارهای ذهنی قرار خواهد گرفت و در نهایت ساختارهای محیطی در داخل شهرها تحت تأثیر این فرایند شکل می‌گیرد. به عبارتی برپایی ساختارهای نو، تحت تأثیر هویت جهانی و بدون توجه به گذشته و واقعیات موجود می‌باشد. در شهرسازی

جدید‌انگاره‌ها و الگوها به گونه‌ای متقدم شکل گرفته است؛ الگوهایی که برآند تا با اجبار خود را به واقعیت تحمیل کنند (گل‌محمدی، ۱۳۸۳، ۴۵-۵۰).

### شهر و نیروی کار یادگیرنده

انسان عصر ما دیگر نمی‌تواند به همین قانع باشد که به کمک علم و صنعت به او یاد دهیم «چگونه زندگی کند»؛ بلکه با اصرار فراوان می‌خواهد بداند، برای چه زندگی کند (فراهانی، ۱۳۸۹). یادگیری یک خدمت برای اجتماع می‌شود؛ به شکلی که شهروندان آتی در اجتماع محلی درگیر می‌شوند (لانکورت، ۲۰۰۶، ۱۸). توسعه درک نقش هسته‌ای نیروی کار یادگیرنده مادام‌العمر در دولت محلی (شهرداری) برای خلق یک جامعه یادگیرنده ضروری است. در سوئد شهرهای یادگیرنده از دهه ۱۹۹۰ کار خود را آغاز کردند. اولین فعالیت‌های آن‌ها توجه به یادگیری شهری نوجوانان در حیطه شهری تا نیروی کار بود. هیچ‌گونه از این یادگیری‌ها شامل آموزش‌های رسمی نبوده است. به‌عنوان مثال در یک شهر ۲۱۷ هزار نفر از نوجوانان (۱۳ - ۱۸ سال) جامعه هدف شهر یادگیری بودند. در شهر گوتنبرگ، شهر یادگیرنده حتی به یادگیری‌های سازمانی ورود کرده است مخصوصاً افرادی که شغل خود را از دست داده‌اند با طی کردن دوره‌های آموزشی شهروندی، آمادگی لازم را برای تغییر کار خود به‌دست می‌آورند (کلاکستون و لوکاس، ۲۰۰۹، ۱۴۸).

### سرعت یادگیری از طریق شبکه‌های مجازی

شهر یادگیرنده نیاز به دسترسی حداکثری دانش دارد. در دسترس کردن یادگیری و محتوای آن و افزایش آگاهی برای انجام نیازها و درخواست‌های اداری بدون تردد شهری، نیاز به هماهنگی در زمینه شبکه‌های مجازی دارد. این آگاهی‌ها باید به روز بوده و نیز شهروندان و سازمان‌ها بر حیاتی بودن تحقق درخواست‌های اداری شهروندان بدون ایجاد تردد شهری واقف باشند.

### محله یادگیرنده و بازار

محله یادگیرنده می‌تواند زیربنای اصلی شهر یادگیرنده باشد. به‌طور کلی با این رویکرد که شناخت هویت محیطی به‌عنوان بستر فعالیت‌های انسانی می‌تواند به درک و تحلیل بهتر اشکال مختلف زندگی و فعالیت‌های انسانی بیانجامد، مورد بررسی و مطالعه گسترده قرار گرفته است؛ لذا در بررسی‌های مربوط به ابعاد هویت محیطی، ضمن معرفی موقعیت جغرافیایی و طبیعی شهر، فاکتورهای مهم محیطی - اکولوژیک مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- وضعیت توپوگرافی
- شبکه رودها و جریانات سطحی
- ویژگی‌های اقلیمی (شامل: بارش، دما، رطوبت، باد و غیره)
- منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی

- ساختار زمین‌شناسی

- پوشش گیاهی و زندگی جانوری

- منابع و جاذبه‌های طبیعی ([www.niace.org.uk](http://www.niace.org.uk))

یکی از محیط-محتواهای مهم شهری، بازار است. برای یادگیرنده کردن بازارها، طراحی موضوعی آن‌ها مبتنی بر فرهنگ و هویت بومی می‌تواند راهگشا باشد؛ همچنین استقرار موزه‌های کوچک، بنرهای آموزشی، باکس‌ها، ماکت اشیای قدیمی و بهره‌گیری از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی و آموزشی رایانه‌ای می‌تواند در تحقق اهداف مربوط به آموزش یادگیری مؤثر باشد.

### یافته‌ها

ایجاد یادگیری مادام‌العمر نیازمند رشد شبکه‌های شهروندان یادگیرنده است که تمرکزشان بر روی ساخت روابط از طریق یادگیری برای حمایت از افراد می‌باشد. عمده زیر موضوعات مرتبط عبارت‌اند از:

- ساختارهای ساده شده که به راحتی با دیگر نواحی خدمات عمومی همراه می‌شوند؛ برای مثال بهداشت، مراقبت اجتماعی، پلیس اجتماعی، رفاه، استخدام، خدمات اطلاعاتی.

- دولت محلی (شهرداری) و ترتیبات حکومتی نهادی مکمل که در سرتاسر شبکه‌های محلی فعالیت‌های یادگیرنده را به کار گرفته‌اند.

- توسعه درک نقش هسته‌ای نیروی کار یادگیرنده مادام‌العمر در دولت محلی (شهرداری) برای خلق یک جامعه یادگیرنده مادام‌العمر.

- به‌کارگیری زیر ساخت‌های یادگیری نوآور شامل بهترین افراد، مکان‌ها و فناوری را برای تشویق یادگیری. ایجاد یک چارچوب تحصیلی و شایستگی، مانند سلسله مراتب هر شهروند، که هم گستره و هم رشد یادگیری مادام‌العمر را به‌عنوان تمایز از واحدهای جداگانه یادگیری بزرگ‌سالان حمایت می‌کند.

- مدارس، مراکز آموزشی-فرهنگی، دانشگاه‌ها، هیئت‌ها و شهرداری‌ها از جمله سازمان‌های یاری‌دهنده برای توسعه شهر یادگیرنده‌اند.

گروه شرکت‌های GHK<sup>1</sup> در یک مطالعه، به ارزیابی اجرای طرح‌های استراتژی توسعه شهری در برخی شهرهای کشورهای در حال توسعه به‌عنوان نمونه پرداخته است. در این مطالعه برخی نتایج استفاده از طرح استراتژی توسعه شهری به شرح زیر حاصل شد:

- رهبری مدنی: شهرهای موفق نقش رهبری مدنی را پذیرفتند (اغلب از طریق رهبران متعهد جامعه).

- مشارکت: شهرها چشم‌اندازی را به روشی مشارکتی تدوین کردند و سودبران اصلی به فرایند استراتژی توسعه

1- GHK Group of Companies. (2000), CDS: Taking Stock and Signposting the Way Forward: Discussion Report for the World Bank and DFID (UK).

- شهری متعهد شدند.
- حکمرانی: به نظر می‌رسد که پایداری به شفافیت و دولت باز محلی برای دستیابی به مشارکت سودبران، بیشترین اهمیت را دارد.
  - نگرش: طرح‌های استراتژی توسعه شهری نگرش سودبران را نسبت به توسعه و مدیریت شهر آنان تغییر داد. فرایند استراتژی توسعه شهری ابزاری بود که دموکراسی را در جامعه تشدید کرده بود.
  - جامعیت: طرح‌های استراتژی توسعه شهری بر ارائه خدمات و همچنین بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تمرکز داشتند (ولی از طریق انواعی از موضوعات در زمینه فرهنگی، بهبود کیفیت محیط زیست برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی ویژه به اجرا می‌رسیدند).
  - تأمین اعتبار: تعریف منابع مالی برای برنامه‌ها و پروژه‌های استراتژی توسعه شهری اهمیت حیاتی داشت و بدون آن منابع مالی، فرایند استراتژی توسعه شهری از حرکت باز می‌ماند.
  - موفقیت‌های اولیه: اجرای استراتژی توسعه شهری زمان‌بر است و یک دوره ۱۰ تا ۱۵ ساله را شامل می‌شود. مشاهده موفقیت‌های اولیه (بهبود در ارائه خدمات و پروژه‌های توسعه‌ای) مهم به نظر می‌رسید و تلاش‌های دیگر را تشویق می‌کرد.
  - تداوم: موضوع دیگری که به نظر می‌رسد استراتژی توسعه شهری با آن مواجه است، نیاز به تضمین تداوم در رویداد تغییر در اداره شهر است.
- با استفاده از کالبد شهر به‌عنوان یک شبکه آموزش همگانی، رویکرد آن است که همواره درصدی از مردم وجود دارند (خصوصاً در کشورهای جهان سوم و در حال پیشرفت)؛ اما لازم است که در جریان مسائل مهم و اساسی جامعه قرار گیرند.
- برنامه‌های مختلفی در آموزش شهروندی مورد توجه قرار گرفته‌اند که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- برنامه آموزشی دانش‌آموزان در مسیر مدرسه؛
  - برنامه آموزشی جهت مسافران روزمره و ثابت؛
  - برنامه آموزشی جهت مسافران عادی، استفاده‌کنندگان از وسایل عمومی جهت خرید، امور اداری، گردش و...؛
  - برنامه جهت مسافران منتظر در ایستگاه‌ها، پایانه‌ها و مراکز منطقه‌ای اتوبوس‌رانی شهری؛
  - برنامه جهت ارائه در پارک‌ها، اماکن عمومی، سینماها و تئاترها و مراکز فرهنگی محله؛
  - حمل و نقل عمومی و با استفاده از نمایشگرهای دیواری<sup>۱</sup>.
- نهاد‌های آموزشی مشارکتی داخل و بین سطوح سنی مختلف از ضروریات شهر یادگیرنده است. این آموزش‌ها

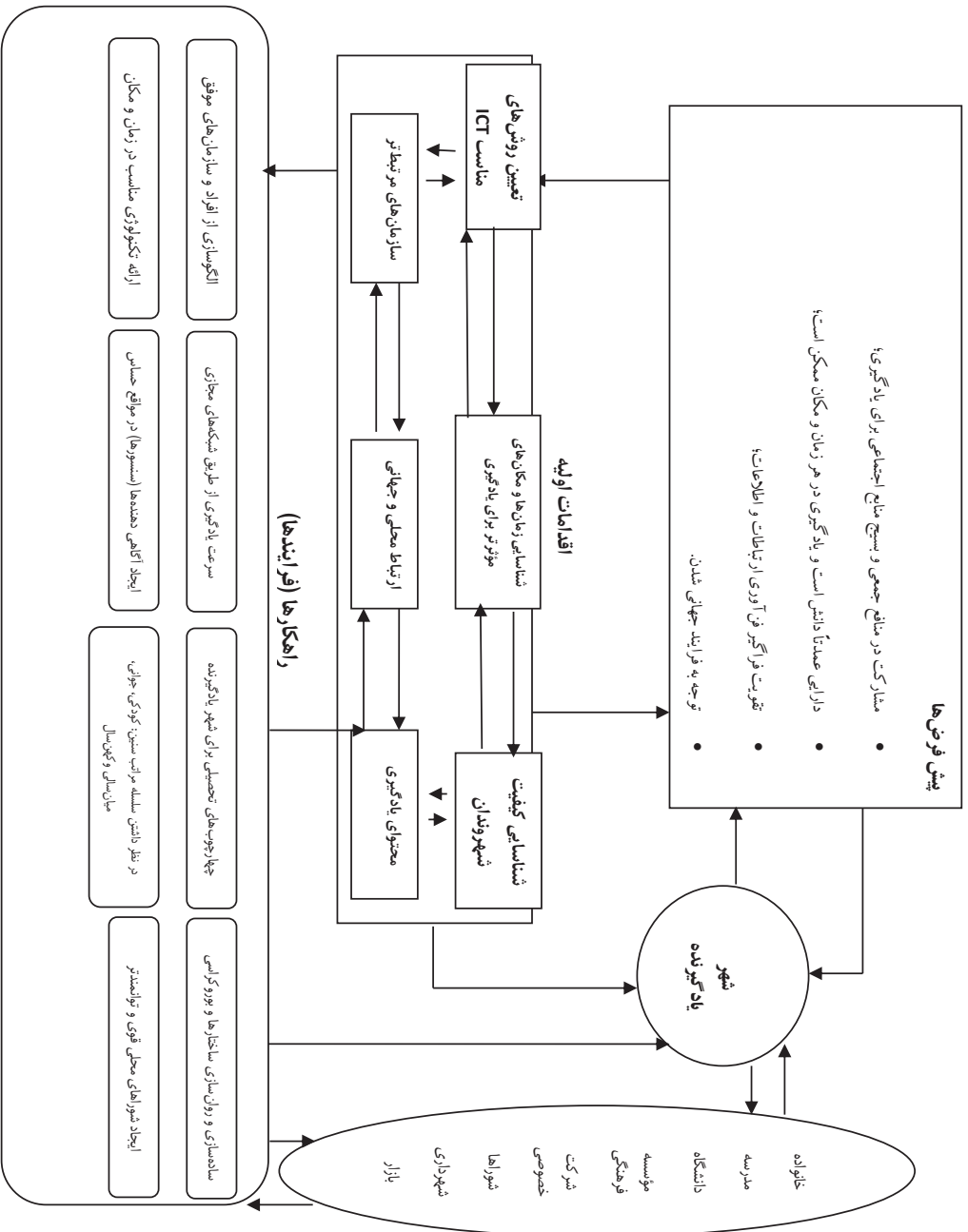


از نظر شکل به صورت مجازی و نیز رو در رو است و از نظر محتوا به طور دوره‌ای به روز می‌شود. همچنین باید با دسته‌بندی گروه‌های شهروندان تطابق داشته باشد (چشم‌انداز شهر یادگیرنده، ۲۰۰۹، ۸۹).

### روشنی و راهکارها

پیشنهاد عمده، ارائه مدل شهر یادگیرنده است. این مدل بر اساس آخرین شاخص‌ها و مؤلفه‌های شهرهای یادگیرنده تدوین شده و همچنین شاخص‌های عمده مرتبط با هویت شهرهای کشورمان بدان اضافه شده است. سؤالاتی که باید مدل به آن‌ها پاسخ دهد شامل موارد زیر هستند:

- الف) آیا به طور مؤثر به محتوای مورد علاقه شهروندان توجه شده است؟
- ب) چگونه می‌توان شهر یادگیرنده را با کار، اوقات فراغت، توسعه فردی و یکپارچگی اجتماعی مرتبط کرد؟
- ج) آیا می‌توان یادگیری را با مراحل مختلفی از چرخه زندگی شهروندان مرتبط ساخت؟
- د) آیا شهر یادگیرنده عدم برابری شهروندان در یادگیری را کم‌تر می‌کند؟
- هـ) آیا مفاد آموزش‌دهنده به میزان کافی گوناگون و عمومی هستند؟
- و) چه چیزهایی را شهر یادگیرنده برای آینده آموزش می‌دهد؟



## شرح مدل

- ۱- پیش‌فرض‌های اصلی: به کانون‌های اصلی توجه در شهر یادگیرنده اشاره دارد؛ مشارکت و بسیج در منافع جمعی، دارایی دانشی، روش فراگیری مجازی و فرایندهای جهانی، عمده‌ترین آن‌ها هستند.
- ۲- ساختار (نهادهای اجتماعی) مؤثر: ساختارهای اصلی اجتماعی که تأثیر عمده بر شهر یادگیرنده دارند، عبارت‌اند از خانواده، مدرسه، دانشگاه، سازمان محل کار، مؤسسات و سایر نهادهای اجتماعی از جمله شهرداری‌ها.
- ۳- اقدامات اولیه برای ساخت شهر یادگیرنده: این اقدامات توأم با انجام فرایندها می‌باشد. عمده کار شهرداری‌ها و سازمان‌های محلی، انجام کار در این حیطة است. هر قدر میزان داوطلب شدن ساختارهای اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه و دانشگاه را بتوان بالا برد، هزینه و اثربخشی این اقدامات بالاتر می‌رود. هر اقدام اولیه مرتبط با یک یا چند راهکار (فرایند) می‌باشد. اقدامات عمده عبارت‌اند از:

### سایر موارد

#### ۱- شناسایی کیفیت شهروندان

یک راهکار، سلسله مراتبی کردن و یا طبقه‌بندی شهروندان بر اساس کیفیت‌های سنی، جنسی، شغلی و... است. برخورداری از کیفیت زندگی مطلوب حق همه شهروندان است. از آنجایی که حد آسایش و رفاه یک فرد با حداکثر شاخص‌های کیفیت زندگی حاصل می‌شود؛ لذا امروزه کیفیت زندگی بسیار مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. از سوی دیگر، شهروندان به برخورداری، نیمه برخوردار و کم‌تر برخوردار تفکیک می‌شوند. تمامی مؤلفه‌های کیفیت به‌طور کلی سطح توسعه‌یافتگی یک منطقه و محله را تعیین می‌کنند (<http://dana.ir/News>). در بیشتر شهرهای سوئد، شهروندان در یادگیری رسمی و غیر رسمی از دوره نوجوانی آموزش دیده‌اند و شهر به‌صورت «شهر دانشی»<sup>۱</sup> در آمده است. دانش شفاهی و دانش مکتوب بین شهروندان و محیط شهری دست به دست می‌چرخد. در ژاپن و کشورهای اسکانداوی، پیوستگی استراتژی‌های شهر یادگیرنده متناسب با هر ناحیه و منطقه شهری وجود دارد. یک راه ساده و کم هزینه در این شهرها انتقال فرهنگ شهرنشینی و رویه‌های آن توسط شهروندانی است که وقت آزادتری دارند. بازنشستگان و زنان خانه‌دار، آموزش‌دهندگان داوطلب در فرایند شهر یادگیرنده هستند (اسکالر، ۲۰۱۱، ۶۴).

#### ۲- محتوای یادگیری

استفاده از چهارچوب‌ها و پودمان تحصیلی، بسیار مناسب است. در این مرحله محتوای آموزشی دوره، در قالب فرمی استاندارد (شامل اطلاعات درباره حجم، ساختار، آزمون، پیش‌نیازها، مخاطبین، مدت‌زمان آموزشی و برخی موارد دیگر) از نهادهای متخصص گرفته می‌شود. کارشناسان بخش طراحی آموزشی، محتوای دریافت شده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را بر اساس اهداف و فرایند یاددهی طراحی می‌کنند.

### ۳- ارتباط محلی و جهانی با سیستم‌های اطلاعات و آمار

می‌توان گفت که جهانی شدن فرایند متمایز کننده و در عین حال همگون‌سازی است که با پذیرش ارزش پاره‌فرهنگ‌ها و توانایی‌های محلی، جهان را به سوی کثرت‌گرایی فرهنگی سوق می‌دهد. در طول نیم قرن گذشته بسیاری از تحقیقات جامعه‌شناختی در باب شهروندی، ملی بودن آن و رویداد آن در داخل یک ملت- دولت را بدیهی فرض کرده‌اند. اینترنت به‌عنوان منبعی برای توسعه آموزش و پاسخ به نیازهای افراد به شمار می‌رود. با رشد اینترنت و روی کار آمدن یادگیری الکترونیکی، همه روزه درخواست‌های متعددی مبنی بر ترکیب آموزش سنتی و الکترونیکی به دست مسئولان این حوزه می‌رسد. نظام یادگیری الکترونیکی می‌بایست دارای سه ویژگی باشد:

الف) نظام یادگیری الکترونیکی باید انعطاف‌پذیر، باز و توزیع شده باشد.

- انعطاف‌پذیری: منظور از انعطاف‌پذیری آن است که خود یادگیرنده بتواند شیوه آموزش خود را انتخاب کند و بر آن کنترل داشته باشد.

- توزیع شده: یعنی در یافتن محتوای یادگیری الکترونیکی از تمامی منابع استفاده شود.

- باز بودن: یادگیرنده با هیچ مانعی مواجه نباشد و بتواند در شرایط مکانی و زمانی متفاوت به یادگیری بپردازد.

- ویژگی‌های یادگیری الکترونیکی می‌بایست از تمامی آموزش‌ها اعم از آموزش‌های دیداری- شنیداری و... متمایز باشد.

- تعاریف دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در ذیل شرح می‌دهیم.

#### ب) دسترسی یادگیرنده و یا کاربر به اطلاعات

- حضور: زمانی را که یادگیرنده و یاددهنده به شکل فیزیکی و یا مجازی به هنگام انتقال اطلاعات در دسترس باشند، حضور نامیده می‌شود.

#### ج) ارتباط الکترونیکی:

- زمانی که بین یادگیرنده و یاددهنده در هنگام انتقال آموزش، ارتباط الکترونیکی برقرار باشد.

از نگاه لاودن، یک سیستم اطلاعاتی، به‌عنوان مجموعه‌ای از اجزای مرتبط تعریف می‌شود که اطلاعات را به‌منظور پشتیبانی از تصمیم‌سازی و کنترل در یک سازمان، جمع‌آوری یا بازیابی، پردازش، ذخیره و توزیع می‌کند. علاوه‌بر پشتیبانی از تصمیم‌سازی، هماهنگی و کنترل، سیستم‌های اطلاعاتی به مدیران و کارکنان در تجزیه و تحلیل مشکلات، تجسم موضوعات پیچیده و تولید محصولات جدید کمک می‌نماید (لاودن، ۱۳۹۱، ۷۱).

#### د) استفاده از تکنولوژی نوین روش‌های ICT

در این مرحله تمامی مواد آموزشی که در مرحله طراحی دوره، تهیه و پیش‌بینی شده‌اند، توسط متخصصین گرافیک و مهندسی نرم‌افزار و IT جهت ارائه به‌صورت الکترونیکی، تولید می‌شوند. مواد آموزشی تولید شده در این مرحله می‌توانند شامل فایل‌های صوتی، شبیه‌سازی‌های طراحی شده، تصاویر، نمودارها و متون لازم برای یک

درس الکترونیکی باشند. مؤلفین محتوا و کارشناسان طراحی آموزشی، بر این فرایند نظارت مستمر دارند. خروجی نهایی این مرحله، یک درس یا نماد الکترونیکی است که قابل ارائه روی سیستم یادگیری می‌باشد.

در این روش که یاددهنده و یادگیرنده در طول انتقال محتوا به صورت مجازی با یکدیگر ملاقات می‌کنند، حضور مجازی وجود دارد. هم چنین از تمامی فناوری‌ها اعم از صوت و تصویر زنده و پیام‌رسانی و سایر فناوری‌های به کار رفته در یادگیری الکترونیکی غیر هم‌زمان استفاده می‌شود.

این نوع از یادگیری الکترونیکی ترکیبی از یادگیری چهره به چهره و غیر هم‌زمان است. در این روش محتوا هم از طریق کلاس‌های حضوری بین یاددهنده و یادگیرنده انتقال داده می‌شود و هم از طریق فناوری‌های یادگیری الکترونیکی زمانی که افراد در یک مکان حضور فیزیکی ندارند. ارتباط الکترونیکی تنها در روش غیر هم‌زمان این مدل وجود دارد و بر عکس آن که حضور است - یعنی حضور تنها در هنگامی که انتقال اطلاعات به صورت چهره به چهره است - وجود دارد.

#### (ه) شناسایی مکان و زمان درست برای یاد دادن

این نوع از یادگیری همان شیوه خودخوان است. در این گونه یادگیری، هیچ ارتباطی بین یادگیرنده و یاددهنده وجود ندارد و یادگیرنده محتوای آموزشی را از طریق اطلاعاتی که از قبل تهیه شده‌اند، دریافت می‌کند. در این نوع یادگیری اطلاعات در قالب‌هایی مثل CD و یا DVD ارائه می‌شوند.

در این روش یادگیرنده و یاددهنده به طور فیزیکی بر سر کلاس حضور دارند با این تفاوت که در این کلاس‌ها از ابزارهای یادگیری الکترونیکی نیز استفاده می‌شود؛ مانند کلاس‌هایی که در آن از پاورپوینت، چند رسانه‌ای و... برای انتقال محتوا استفاده می‌شود. در این روش ارتباط بین افراد در محیط کلاس است و یا این که از طریق تلفن صورت می‌پذیرد به همین دلیل در این روش ارتباط الکترونیکی وجود ندارد.

زمانی که یاددهنده محتوا را جمع‌آوری می‌کند (انتقال محتوا) و یادگیرنده محتوا را به دست می‌آورد (دستیابی به محتوا) یک زمان تأخیری میان انتقال و دستیابی به محتوا وجود دارد به همین دلیل ارتباط الکترونیکی وجود دارد اما به طور غیر هم‌زمان. در این روش افراد می‌توانند از طریق ابزارها و فناوری‌های گوناگون با یکدیگر به تعامل بپردازند. در این روش از فناوری‌هایی همچون پست الکترونیکی نیز استفاده می‌شود.

#### (و) استفاده از سازمان‌های مرتبط‌تر در یادگیری

کمک به ساده‌سازی ساختارهای مرتبط در یادگیری، الگوسازی، تأکید بر درگیر کردن خانواده‌ها. شهرها و مناطق یادگیرنده اتفاق نمی‌افتد مگر شوراها، مدرسان، مدیران، کارکنان شهری، کارکنان اجتماعی، رهبران، سودبران و حجم عمده‌ای از شهروندان خود تمایل به موفقیت را اعلام کنند و فعالانه مشارکت داشته باشند. آن‌ها می‌توانند تنها سودبر نباشند بلکه اداره‌کننده باشند (لانگ ورث، ۲۰۰۶، ۵). مدارس، درحالی که خدمات آموزشی را به عنوان یک مؤسسه فراهم می‌آورند، باید بهترین روش‌های ایجاد و ارائه دانش را آموزش دهند. شهرهای

یادگیرنده، مدارس را برای اندازه‌گیری عملکردشان به‌عنوان سازمان یادگیرنده در حدود منطقه یادگیرنده توانا می‌سازند؛ همه معیارهای یک مدرسه مدرن را برای نشان دادن نیازها و تقاضاهای در حال تغییر همه سودبران خود (خانواده‌ها، دولت‌ها، معلمان، بچه‌ها و اعضای اجتماع) در جامعه یادگیرنده مادام‌العمر شناسایی می‌کنند؛ میزان همکاری مدارس را - که ساختن مدرسه یادگیرنده می‌تواند به‌عنوان بخشی از آن باشد - می‌سنجند؛ می‌توانند به‌عنوان مبنای مقایسه با مدارس در دیگر مناطق عمل کنند (همان، ۱۱۲).

با توجه به مأموریت دانشگاه‌ها به‌عنوان مکانی که نقش هدایت در اجتماع محلی می‌پذیرند، آن را به خدمت می‌گیرند و شهروندان را در تحقق آن درگیر می‌کنند؛ می‌توانند شهر را به‌عنوان آزمایشگاه تحقیق درباره یادگیری ببینند؛ همچنین می‌توانند مجرای برای ارتباط با سایر نقاط در ابعاد ملی و بین‌المللی و ارائه ایده‌ها از آن طریق باشند (همان، ۱۱۷). حکومت محلی (شهرداری) در شهر یادگیرنده نقش رهبری، هماهنگی، توسعه استراتژی، تخصیص منابع شهر یا منطقه را به‌عنوان یک سازمان یادگیرنده دارد؛ همچنین پشتیبانی از یادگیری و بازاریابی شهر یادگیرنده، حذف موانع، بسیج سودبران، ایجاد فرهنگ یادگیری، شهروندی فعال، انجام پژوهش، ایجاد مسئولیت جهانی و فراهم کردن امکان دسترسی برای همه را بر عهده دارد (همان، ۱۰۷).

### نتیجه‌گیری

پیشرفت سریع شهرها در جهان نشان می‌دهد که روز به روز جهان در حال تحول و یادگیری بیش‌تر است. هر کشور و شهری زودتر تحولات جدیدی را یاد بگیرد و آن را به مرحله عمل برساند، آینده موفق‌تری در پیش روی دارد. اطلاعات، مهم‌ترین ابزار استراتژیک برای مدیریت و ارتقای روش‌های یادگیری صحیح‌ترین خط مشی محسوب می‌گردد. در حوزه شهری، شهرهای یادگیرنده یکی پس از دیگری در حال ظهور هستند و در آینده‌ای نزدیک، ارائه خدمات شهری و چهره شهرها را کاملاً دگرگون می‌کنند.

آنچه از مطالب ارائه شده برداشت می‌شود این است که در یک شهر یادگیرنده، فرایندها و کارها را می‌توان بسیار ساده‌تر و با اطمینان خاطر بیشتری یاد گرفت. تأثیر شهر یادگیرنده را می‌توان از دیدگاه‌های مختلف بررسی کرد. از دیدگاه مدیران شهری، این پدیده می‌تواند باعث سرعت و سهولت در انجام فعالیت‌ها، شفاف‌سازی در ارائه خدمات و استفاده از نظرات شهروندان شود. از دید کاربران نیز، یادگیری در هر زمان و هر مکان فرصت مغتنمی است که رضایت شهروندان را در پی دارد. در صورتی که مدیران شهری و شهروندان با تمام ابعاد شهر یادگیرنده در قالب شهر، شهرداری و شهروند یادگیرنده آشنا شده و آن را بپذیرند، سرعت توسعه شهر بیشتر شده و فرصت داشتن یک شهر خوب و پاسخگو افزایش می‌یابد. چنانچه شهر یادگیرنده با دیدگاه‌های فوق مورد توجه قرار گیرد، به نتایج فوق‌العاده‌ای دست پیدا می‌کنیم که برای یک شهر بسیار با ارزش است و کمک بسیار مهمی برای اداره بهتر شهر می‌باشد. یافته‌های مورد انتظار و پاسخ‌های احتمالی شامل موارد زیر است:

- مطرح شدن دانش و یادگیری به‌عنوان دارایی عمده شهر؛

- توجه به تغییر و آشوب‌های سریع و سازمان‌دهی مناسب در قبال آن؛

- استفاده از یادگیری به‌عنوان یک روش برای ترغیب انسجام اجتماعی.

با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات هر یک از مناطق شهر تهران، ضروری است استراتژی و اهداف هر یک از مناطق جهت تحقق هدف شهر یادگیرنده تهران مشخص شود. از سویی دیگر می‌توان هدف کلان تحقق شهر یادگیرنده را به‌صورت جزء در قالب پروژه‌ای مشخص شود. با توجه به این که یکی از اهداف شهر یادگیرنده حضور در رقابت جهانی رشد اقتصادی در سطح محلی می‌باشد، لذا تحقق شهر یادگیرنده نیازمند فراهم کردن امکان شناخت مزایای نسبی شهر و شناساندن این قابلیت‌ها و استفاده از آن‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی است.

## منابع

- [۱] بهشتی، محمد، (۱۳۹۰)، شناخت اسلام، تهران، چاپ سوم. بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.
- [۲] صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید، (۱۳۸۷)، «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری»، فصل‌نامه پژوهش جغرافیایی، شماره ۶۳، ص ۱۲۱، تهران.
- [۳] کالونو، ایتالو، (۱۳۹۰)، شهرهای دانش (رویکردها، تجارب و دیدگاه‌ها)، زینب کرکه‌آبادی و ایمان علی‌پور، تهران: آذرخش.
- [۴] گل‌محمدی، احمد، (۱۳۸۳)، جهانی شدن، فرهنگ، هویت؛ تهران، نشر نی.
- [۵] لاودن، کنت. سی. و لاودن، جین. پی، (۱۳۹۱)، سیستم‌های اطلاعات مدیریت، ترجمه: حبیب رودساز، سینا محمدنوبی و امیرحسین بهروز، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۶] فرجامی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، ابعاد هویت شهری، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی، جلد اول، ساخت کالبدی شهر.
- [۷] فرمهینی فراهانی، محسن، (۱۳۸۹)، تربیت شهروندی، تهران: آبیژ.
- [۸] مرکز تحقیقات سازمان ترافیک مشهد، گزارش پژوهشی مرکز مطالعات ترافیک و حمل و نقل دانشگاه صنعتی شریف.
- [۹] مکوند حسینی، نسیم، (۱۳۸۹)، شهر آموزش‌دهنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- [۱۰] شکیبامقدم، محمد، (۱۳۸۴)، مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها، مؤسسه انتشاراتی میر، تهران، صص ۲۵۳ تا ۲۵۷.
- [11] Claxton, G. and Lucas, B. (2009) School as a foundation for lifelong learning: The implications of a lifelong learning perspective for the re-imagining of school-age education: IFLL Sector Paper1. Leicester: NIACE
- [12] Di Sivo, M. & Ladiana, D. (2010) Towards a learning city the neighborhood lab and the lab net, *Procedia Social and Behavioral Sciences* 2: 5349-5356.
- [13] Faris, Ron. 2006. " Learning Cities: Lesson Learned, in Support of Vancouver ,Learning city Initiative" <http://www.members.shaw.ca> (accessed October 3, 2010)
- [14] Faris, Ron. 2006. " Learning Cities: Les-son Learned, in Support of Vancouver Learning city Initiative"
- [15] Fryer, B. (2009) Lifelong Learning, Citizenship and Belonging: IFLL Thematic Paper 8. Leicester, NIAC
- [16] Ishida, T. and Isbister, K. (Eds.) Digital Cities, Technologies, Experiences, and Future Perspectives. *Lecture Notes in Computer Science*, Vol. 1765 (2000)
- [17] Juceviciene, P. (2010) Sustainable Development of the Learning City, *European Journal of Education*, Vol. 45, No. 3:
- [18] <https://chicagocityoflearning.org/>
- [19] <http://dana.ir/News>
- [20] Longworth, Norman. 2006. "Learning Cities, Learning Regions, Learning Communities, Lifelong Learning and Local Government", Routledge.
- [21] National Institute of Adult Continuing Education (England and Wales) 21 De Montfort Street, Leicester, LE1 7GE, Company registration no. 2603322, Charity registration no. 1002775, 2009
- [22] National Institute of Adult Continuing Education (England and Wales) 21 De Montfort Street, Leicester, LE1 7GE, A Learning City Perspective, 2009



- 
- [23] See [www.niace.org.uk/lifelonglearninginquiry/docs/IFLLBulletin4.pdf](http://www.niace.org.uk/lifelonglearninginquiry/docs/IFLLBulletin4.pdf)
- [24] Shikshantar, The People's Institute for, Rethinking Education and Development. 1999. "Udaipur as a Learning City", Draft for Comment of Friday, Udaipur
- [25] Second congress on Education cities ,Gothenberg, Cities Strategies For Lifelong Learning, 1992
- [26] Sandbrook, Ian. 2009. "A Learning City Perspective", Inquiry into the future for lifelong learning (IFLL). Paper 5.
- [27] See Schuller, T., "Age, gender, and learning in the lifespan" van der Kamp, 2011
- [28] Teare, Richard, Dealtry Richard. 1998. "Building and Sustaining a Learning Organization", The Learning Organization, Vol.5, No.1, PP.47-60.